

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بمناسبت

### هشتم مارس، روز پیکار جهانی علیه تبعیض و نابرابری جنسی

۸ مارس بعنوان روز جهانی زن، مبدا تاریخی خود را از مبارزه زنان کارگر نساج در ۱۸۷۵ بر علیه سرمایه داری می گیرد. یادآوری این مناسبت تاریخی تأکیدی است بر رابطه و پیوند تنگاتنگ مبارزه بر علیه فرودستی زن با مبارزه طبقه کارگر برای رهایی از نظام استثمارگر سرمایه داری و نشانی از این واقعیت است که جنبش زنان برای آزادی و کسب حقوق مساوی و برابر با مردان در همه میدان‌های مبارزه، بخشی از جنبش کارگری و سوسیالیستی برای تغییر نظام موجود و ایجاد جامعه انسان‌های برابر است.

اگر چه از آئتمان تاکنون، مبارزه و پیکار بر علیه تبعیض جنسی و قوانین مردسالارانه همواره ادامه داشته، اگر چه ۸ مارس همچون مظهر دادخواهی و مبارزه برای حقوق نیمی از بشریت در سراسر جهان تبدیل شده است، اگر چه این مبارزات در بخشی از جهان صنعتی و پیشرفته، تبعیض جنسی را تا حدودی کاهش داده است، ولیکن هنوز زنان در سراسر جهان نسبت به مردان در موقعیت فرو دست تری قرار دارند. هنوز تبعیض جنسی حتی در جوامع پیشرفته نیز در پوشش‌های مختلف به حیات خود ادامه می دهد.

مناسبات طبقاتی در جامعه بشری اساساً با فرودستی زن آغاز شد که اکنون نظام استثمارگر سرمایه داری به شکل مدرن و امروزی آن عامل بقای آن است. در این نظام، نیمی از افراد جامعه یعنی زنان در کشورهای مختلف به اشکال گوناگون به دلیل زن بودن مورد ستم و تبعیض اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار می گیرند. تبعیض و حفظ فرهنگ و روابط مردسالارانه یکی از نیازهای درونی جامعه سرمایه داری است و از همین رو مبارزه پیگیر برای کسب برابری و رهایی از ستم جنسی نیز به پیشروی در جبهه مبارزه بر علیه این نظام گره خورده است.

اما، چهره کریه تر نظام سرمایه داری را در ستم کشی زنان در کشورهای توسعه نیافته می توان دید. مجموعه‌ای قوانین قرون وسطایی و ارتجاعی مذهبی و زن ستیز در افراطی‌ترین شکل خود کماکان بر نیمی از این انسانها تحمیل می شود. موقعیت زنان در این جوامع نه تنها تغییر جدی‌ای پیدا نکرده، بلکه بعنوان مثال در کشوری مانند ایران، این بردگی و اسارت، با ضدانسانی‌ترین قوانین، آیین و رسوم عقب مانده و مذهبی همراه است.

جوامعی که قوانین اسلامی در آنها رعایت و اجرا می شود، زنان در شرایط غیرانسانی تری بسر می برند. بسیاری از حقوق طبیعی و فردی آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی خصوصی با پشتیبانان قانون و اسلام زیر پا گذاشته می شود. جلوگیری از شکوفایی استعداد و توانایی زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فکری توجیهی بر ناتوانی زنان قلمداد می شود. مطابق عرف و عادت حاکم بر جامعه و مصالح نظام مردسالار طبقاتی، زن کالایی است که در اختیار مرد قرار دارد. تعداد آن قابل افزایش و تعویض است. وظیفه اصلی زن ارائه خدمات جنسی و تولید مثل برای شوهر و جامعه است. مذهب لطف و مرحمت از مرد و سپاسگزاری و تبعیت از زن را طلب و به شکل قانونی درآورده است. زنان اولین قربانیان بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و تلاطمات جامعه هستند. در جریان بیکارسازی‌ها و اخراج شاغلین، زنان اولین دسته از افراد

اخراجی در ادارات و مراکز کارگری می باشند. خانه داری، آشپزی، حفاظت از کودکان بلافاصله به عنوان وظیفه دائم زنان در خدمت زن به جامعه و دولت و ملیت به حساب می آید که با کمترین هزینه ای از سوی دولت ها بر زنان تحمیل می شود. بیکاری زن توجیهی برای حفظ کار و شغل مرد به حساب می آید.

اولین قربانیان جنگ و درگیریهای نظامی، کوچ و آوارگی، زنان و کودکان هستند که مورد آزار و اذیت و تجاوز جنسی قرار می گیرند. باند و شبکه های مافیایی خرید و فروش زنان و دختران جوان از تجارت و فروش جنسی زنان در کشورهای گوناگون و قاره های مختلف، روزانه ثروت های هنگفتی روی هم تلنبار می کنند که بدون همکار پلیس و نهادهای محلی و بین المللی ادامه کاری آنها ممکن نیست. زنان در خانه نیز مورد پرخاش و ستمگری مردان قرار می گیرند که بازتابی از فرهنگ طبقاتی و مردسالار جوامع کنونی است.

طی بیش از دو دهه حاکمیت ارتجاعی و ضدانسانی جمهوری اسلامی، ایران به زندان عظیمی برای اکثریت ساکنین آن تبدیل شده است. در این میان زنان بخاطر اعمال افکار اسلامی و مردسالار و ضد زن جمهوری اسلامی چند برابر بیشتر از مردان در شرایط بدتر و فرودست تر قرار داشته اند. مورد انواع تبعیض و بی حقوقی قرار گرفته اند. از آزادی انتخاب شغل، همسر، حق آزادانه پوشش، حق قضاوت، ارث برابر با مرد، مسافرت و تصمیم گیری بر جسم و روح خود برخوردار نبوده اند. در صورتی جدائی از شوهر، توسط نهادهای قانونی و دولتی از انسانی ترین حق و عواطف مادرانه، یعنی سرپرستی فرزند و جگرگوشه ای که با خون و دل آن را در جسم خود پرورش داده اند، منع شده اند.

در بازار کار آشکارا مورد تبعیض و استثمار جنسی قرار می گیرند. کار و امورات خانه داری، حفاظت از کودکان و دیگر امورات مشابه که در بسیاری از جوامع مدرن و امروزی به بخشی از وظیفه دولت تبدیل شدند، بدون کمترین دست مزدی به زنان واگذار می شود و در بسیاری موارد مرد عملاً به عنوان کارفرما در خانواده عمل می کنند.

اما در مقابل این همه جنایت و زورگویی حکومت اسلامی و فرهنگ مذهبی و مردسالار برگرفته از آن، مبارزه زنان در همه میدان ها، در کارگاه ها و مراکز تولیدی، ادارات و دانشگاهها و مدارس، سیاه چال ها و شکنجه گاههای جمهوری اسلامی، علیه نظام آپارتاید جنسی بدون وقفه جریان داشته است. طی چند سال اخیر اصلاح طلبان حکومتی در ایران کوشیدند که این مبارزات را از محتوای رادیکال خود خالی کنند و ظرفیت های آن را به نفع خود در نزاع درون حکومتی با جناح رقیب بکار گیرند و نهایتاً آنها را کنترل در آورند. اما زنان ایران در تجربه زندگی تحت حاکمیت رژیم اسلامی دریافته اند که تامین حقوق و آزادی های اولیه آنها در یک رژیم اسلامی حتی تعدیل شده هم، یک فریب بزرگ است.

مبارزات برابری طلبانه زنان با اتحاد و هوشیاری کامل، بایستی استقلال خود را از دعوای داخلی جناح های رژیم و حرکت های غیردموکراتیک از جمله فمینیسم اسلامی حفظ کند و همسویی و مبارزه مشترک خود را با جنبش کارگری و گرایش رادیکال و سوسیالیستی در این جنبش و در جامعه دریابد.

**کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران**

**۱ مارس ۲۰۰۳**